

#### آمیولانس



پوریا عالمی

• آمیولانس» در دست تعمیر است.

#### همین حوالی

### باورهای نادرست پیرامون زبان‌ها

#### مسعود توکلی\*

• بیشتر افراد به دلیل استفاده دایمی از زبان، حتی در افکار و رویاهایشان، تصور می‌کنند زبان یک پدیده ساده و دمدستی است که می‌توان به‌راحتی در موردش اظهارنظر کرد. در نوشته حاضر بعضی از غلطهای مصطلح در باب زبان را (که در مطالب طنز مورد اشاره هم مشاهده شد) از دیدگاه علم زبان‌شناسی مرور می‌کنیم.

۱- زبان‌ها از جمله زبان فارسی در زمان‌های دور در جایی اختراع شده‌اند.

این موضوع یکی از چالش‌برانگیزترین مسایل زبان‌شناسی نوین، یعنی منشا زبان‌هاست که هنوز هم بحث‌های مطرح در مورد آن به پاسخ قطعی منجر نشده و هیچ زبان‌شناسی (و به طریق اولی هیچ انسانی) نمی‌داند منشا زبان چیست؛ ولی فرضیه اختراع زبان در میان فرضیه‌های موجود هیچ جایگاهی ندارد و اساسا زبان یک‌پدیده اختراع‌شدنی نیست. از دلایل تخصصی زبان‌شناختی که بگذریم، از نظر منطقی نیز نمی‌توان این موضوع را پذیرفت که انسان‌های فاقد زبان واحد برای برقراری ارتباط با یکدیگر برسر اختراع زبان به تفاهم برسند. اگر آنها از چنین نظام پیشرفته‌ا‌ر تباصلی‌ای برخوردار هستند چرا باید یک زبان جدید اختراع کنند؟

۲- زبان آریایی‌ها از ابتدا فارسی بوده است.

زمانی که آریایی‌ها از شمال فلاتایران وارد این سرزمین شدند به زبان ایرانی باستان سخن می‌گفتند که امروز هیچ اثری از آن باقی نمانده است. در اوایل هزاره اول پیش از میلاد، ایرانی باستان به گونه‌های متفاوتی تقسیم شده بود که در میان آنها فقط از سه زبان سکایی، مادی و فارسی باستان اثر مکتوب به‌جا مانده است. تحولات سیاسی، اجتماعی به تقویت زبان فارسی کمک کرد و زبان فارسی امروز بازمانده فارسی باستان است.

۳- زبان‌ها از ابتدا با حروف الفبا عجین بوده‌اند.

هیچ زبانی در ابتدا از نظام الفبایی برخوردار نبوده و برای بقا هم به چنین نظامی وابسته نیست. سابقه استفاده از خط به حدود پنج‌هزارسال پیش برمی‌گردد در حالی‌که استفاده انسان از زبان تا حدود ۱۰۰هزارسال پیش تخمین زده می‌شود.اولین خطی که برای نوشتن زبان فارسی باستان مورد استفاده قرار گرفت خط میخی بود. دشواری استفاده از خط میخی ایرانیان را وادار کرد نظام نوشتاری خود را به عربی تغییر دهند و برای سادگی بیشتر، نقطه را به آن اضافه کردند.نظام نوشتاری هر زبان کاملا مستقل از آن زبان وجود دارد و به همین دلیل کشوری مثل ترکیه بنا به دلایل سیاسی و فرهنگی الفبای خود را از عربی به رومیایی تغییر می‌دهد در حالی‌که زبان رسمی آن همچنان ترکی باقی می‌ماند.

۴- ما هنگام صحبت کردن حروف الفبا را تلفظ می‌کنیم. این باور نادرست از عدم تمایز میان حروف الفبا و واج‌های زبان ناشی می‌شود. تعداد زیادی آوای طبیعی وجود دارد که انسان‌ها به‌طور بالقوه توانایی تولید همه آنها را دارند و کودک بنا بر محیطی که در آن زبان را فرامی‌گیرد مجموعه‌ای از این آواها را به‌عنوان واج‌های زبان خود برمی‌گزیند. هیچ کودکی هنگامی که برای نخستین‌بار واژه «مامان» یا «بابا» را تلفظ می‌کند تصویری از صورت نوشتاری این آواها ندارد. برای او این آواها تصویری کاملا ذهنی از یکسری اصوات هستند که با تصویر ذهنی دیگری از یک مفهوم پیوند می‌خورند و نشانه زبانی را به‌وجود می‌آورند.نگاهی به الفبای زبان فارسی نشان می‌دهد که برای یک واج خاص مانند / ز / از / چهار حرف متفاوت استفاده می‌شود (ز، ظ، ذ، ذه). اگر زبانی فاقد یک واج باشد تلفظ آن واج برای گویشوران آن زبان غیرممکن نیست.

۵- تعداد واج‌های بیشتر یک زبان عامل برتری آن زبان است.

حتی اگر این گزاره درست بود، در مورد زبان‌های فارسی و عربی صدق نمی‌کرد، چون تعداد واج‌های این دوزبان (نه حروف الفبایشان) تقریبا یکسان است. زبان‌های زیادی وجود دارند که با وجود استفاده از واج‌های بیشتر، از تاثیر گذاری فرهنگی کمتری برخوردار هستند.

۶- اعراب با زبان فارسی دچار مشکل هستند.

هر چقدر عموم فارسی‌زبانان در تلفظ واژه‌های بیگانه احساس مشقت و سختی می‌کنند دوستان عرب‌زبان ما هم هنگام تلفظ کلمات فارسی‌سی دچار مشکل می‌شوند. «کریستینو غولندو» تلفظ تقریبی نام «کریستیانو رونالدو» در زبان پرتغالی است ولی همه ایرانی‌ها نام او را متناسب با نظام آوایی زبان فارسی تلفظ می‌کنند. از همه اینها گذشته واج‌های /پ، /چ، /ژ/ /گ/ در زبان عربی عامیانه و حتی در بعضی کشورها در عربی رسمی مورد استفاده قرار می‌گیرد، مثلا در کشور قطر واج /ق/ گاهی اوقات /گ/ تلفظ می‌شود؛ بنابراین آنها اساسا با /گ/ مشکلی ندارند که بخواهند آن را حل کنند.

• دانشجوی کارشناسی ارشد زبان‌شناسی (پژوهشگاه علوم انسانی ومطالعات فرهنگی)

# شترت روزنامه

www.sharghdaily.ir

پنجشنبه «۱۵ آبان ۱۳۹۳» ۱۲ محرم ۱۴۳۶ «۶ نوامبر ۲۰۱۴» سال دوازدهم «شماره ۲۱۵۵» ۱۶صفحه
اذان ظهر تهران ۱۱:۴۸ اذان مغرب ۱۷:۲۴ اذان صبح فردا ۵:۰۶ طلوع آفتاب ۶:۳۲

#### روزنامه‌فردا

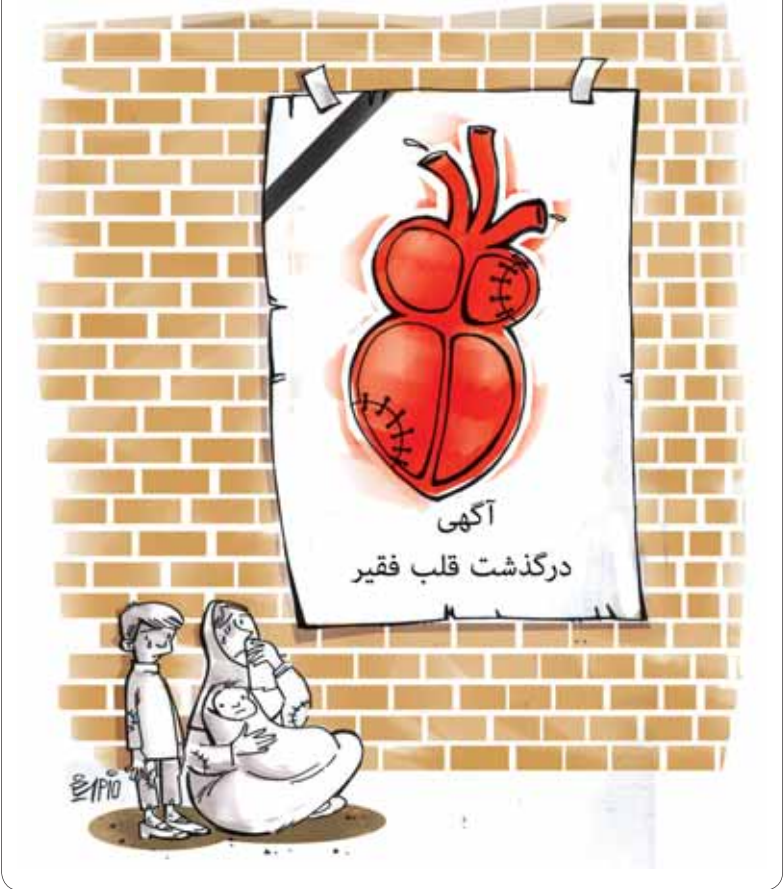
fardashargh@gmail.com

#### کارتون خواب

#### فیروزه مظفری

firoozeh.mozaffari@gmail.com

فقرا بیشتر از ثروتمندان در معرض حمله‌های مرگبار قلبی هستند



#### یاد

### به‌مناسبت شانزدهمین سالگرد عروج علامه محمدتقی جعفری

## روزهای تلخ یک ساواکی

**فرید صلاوتی** : بنده‌خدا برای اولین‌بار که برای جاسوسی به جلسه درس استاد می‌رود همان دم در می‌نشیند، دفتر و قلمش را از کیفش درآورده و افه‌دانشجویی می‌گیرد تا شناخته نشود. گوش می‌کند تا هرچه استاد می‌گوید با دقت یادداشت کند. «حقوق بشر، علیت؛ حیات معقول، اراده، وجدان، حرکت جوهری... اینها یعنی چه؟ چه معنا دارد؟ بنده‌خدا گیج شده بود، اعصاب

به‌هم ریخته بود، سخنرانی استاد که تمام می‌شود خمیازهای می‌کشد و از کلاس خارج می‌شود. با گیجی گزارشش را جمع‌بندی کرده و به طرف ساواک می‌رود.

سر مامور ساواک با تعجب نگاهی به گزارش می‌کند. «... ممکن است ایده‌آلیست‌ها دعا کنند که شما موضوعی) پذیرفته، سپس اختلاف دیدها را درباره واقعیت فرض شده. « سرمامور ساواک داد می‌کشد که: مرتیکه این مزخرفات چیه نوشتی؟ منو مسخره کردی؟

مامور می‌گوید: قربان حرف‌های جعفری را موبه‌موشتم دفعه بعد حتما واضح‌تر می‌نویسم.

گزارش روز بعد: «... این اصل اثبات شد که با بازشن ابعاد و استعدادهای انسانی و تقویت‌پیداکردن عوامل درک وی، واقعیات جدیدتری برای انسان مطرح می‌گردد. مانند بغفلت‌ترسیدن بعد حسن عدالت‌خواهی که واقعیتی...» مامور دوباره بعد از پایان سخنرانی از کلاس خارج شده و برای ارایه گزارش به طرف ساواک می‌رود. سرمامور ساواک دو، سه‌بار متن گزارش را می‌خواند و به علامت عدم فهم سرش را تکان می‌دهد و رو به مامور

### پیشنهاد فردا

• چهار صدوهشتادویکمین شماره ماهنامه فیلم سه سردبیری هوشنگ گلמکائی با قیمت پنج‌هزار تومان هم‌اکنون روی دک‌های روزنامه‌فروشی است. این مجله با طرح جلدی به‌سبب فیلم سینمایی «ماهی و گریه» که در بخش هنر و تجربه سینماها در حال اکران است، در بخش سینمای ایران خود به فیلم‌های تازه: ایران‌پرگر (جوزانی)، جاده شهریار (سعید قاضی‌میرسعید)، یحیی سکوت نکرد (کوه ابراهیم‌پور) و هاری (الضاری) پرداخته و البته مطلبی درباره «امروز»

بعد از این عیالها، شال‌های کمر، دستارها و شلوارها به‌ترتیب در رنگ‌های مختلف آویزان بودند. مهم‌ترین نکته‌ای که در لباس‌های شبیه‌خوان‌ها باید رعایت شود تناسب رنگ قسمت‌های مختلف لباس همچون عبا، پیراهن، شلوار و دستار است. در کنار این لباس‌ها، بوفهای قرار داشت که تمامی عملمه‌های مورد نیاز شبیه‌خوان‌ها در آن جا گرفته بود. عملمه معمولاً در صحنه‌های دربار کاربرد دارد و بیشتر آنها نیز مربوط به سرداران قوم اشقیاست. این عملمه‌ها در رنگ‌های مختلف و برخی از آنها به زیبایی تزئین شده بود. البته برای استفاده از آنها نوع رنگ چندان شرط نبود و به‌جز معدودی از آنها که برای یزید، عبدالله و ابن‌سعد بود و بسیار زیبا آن را تزئین کرده بودند، بقیه سرداران می‌توانستند با توجه به تناسب آنها با رنگ لباس، هر کدام از این عملمه‌ها را به سر کنند. در کنار این عملمه‌ها، عملمه خاصی وجود داشت که متمایز به‌نظر می‌رسید. آنطور که خسروشمر می‌گفت این عملمه را بازیگر نقش جبرئیل بر سر می‌گذازد. از او پرسیدم جبرئیل در کدام صحنه در تعزیه ظاهر می‌شود. او جواب داد در صحنه‌ای که تمامی اصحاب و فرزندان و نزدیکان و یاران امام به شهادت رسیدند و امام بدون

احمد مسجدجامعی



هیچ یارویاوری در اوج خستگی و تنهایی مشغول جنگ است، در این هنگام جبرئیل برای ایشان خبر می‌آورد که جنگ بس است و به‌سوی ما بیاد امام هم در جواب می‌گوید تا تقاص خون اکبر را بگیرم دست از جنگ برنمی‌دارم. جبرئیل هم می‌گوید خداوند منظر توست و در همین لحظه امام شمشیر ذوالفقار را غلاف می‌کند و در جواب، چشم می‌گوید و این شعر را می‌خواند: چشم، منت می‌کشم سر می‌دهم حنجر نازک‌تر از گل را به خنجر می‌دهم سپس امام نشسته و شعر را ادامه می‌دهد: کوفیان آیدصدچاکم کنید بر سر کوی منا خاکم کنید

وقتی که خسروشمر این اشعار را می‌خواند بغضی در صدایش نهفته بود و شنونده را تحت‌تاثیر قرار می‌داد. البته صحبت‌های جبرئیل با امام نیز به‌صورت شعر بیان می‌شود اما خسروشمر این شعر را به یاد نداشت و شخصی هم که نقش جبرئیل را بازی می‌کرد، در حسینی‌ه حاضر نبود که آن را برای ما بخواند.

از او پرسیدم در لحظه‌ای که شمر بالای سر حضرت می‌آید تا سر امام را از تن شریفشان جدا کند چه چیزی می‌گوید. او در جواب گفت که عبارت‌های مختلفی بین امام و شمر ردوبدل می‌شود اما آخرین جمله‌ای که شمر به امام می‌گوید این است:

بگو شهادت خود را سر از تنت جدا سازم

میان سر و تنت طرح دوری اندازم

#### گزارش فردا

### شنبه؛ رونمایی از فیلمنامه‌های اصغر فرهادی

## وقتی جامعه در سینما شکل می‌گیرد



گیسو فغفوری

حالا دیگریک جمله رایج است: وقتی از سینماگری می‌پرسند مشکلات سینمای ایران را در چه مسایلی می‌دانید؟ جوابی کلیش‌های داده می‌شود «کمبود فیلمنامه، اما برای این مشکل کمتر راه‌حلی پیدا شده است. کمتر دنبال رفغ آن رفته‌اند و هروقت فیلمی مانند «جدایی نادر از سیمین»، «قصه‌ها»، کمی عقب‌تر «خاک آشنا» موقی می‌شود، همه به‌یاد می‌آورند این فیلمنامه‌ها بوده‌اند که پهاول موفقیت‌ را پایه‌ریزی کرده‌اند. شاید در این روزگار زمان که اندکی آرامش به سینما برگشته؛ برنامه‌هایی آموزشی و کارگاه‌هایی که در خانه سینما از سوی کانون فیلمنام‌نویسان برگزار می‌شود کمکی به پیشرفت، افزایش خلاقیت‌ها و حل مشکل همیشگی سینمای ایران کند. اما اتفاق خوب دیگری که در حال رخ‌دادن است کمک نشر خصوصی به این کمبود است. نشر چشمه که مدتی است دوباره به می‌دیان کارزار کتاب بازگشته است، قدمی بلند در این زمینه برداشته است؛ قدمی که قبل‌تر نشر نی با انتشار فیلمنامه‌های خارجی برمی‌داشت. شنبه که نباید در «پریس کوروش»، مجموعه فیلمنامه «اصغر فرهادی» با نام «جدایی نادر از سیمین و چندفیلمنامه دیگر» رونمایی می‌شود؛ مجموعه هفت‌فیلمنامه که از «قص در غبار» در سال ۱۳۸۱ آغاز و تا «گذشته» در سال ۱۳۹۲ را در برمی‌گیرد. شاید برای بسیاری از ما «جدایی نادر از سیمین» بیش از دیگر آثار فرهادی خاطرانگیز باشد؛ اثری که یکی از پرافتخارترین‌های سینمای ایران است؛ فیلمنامه‌ای که تنها اسکار کشورمان را به ارمغان آورد و اتفاقاً نویسنده‌اش در همان سال در بخش فیلمنامه اورجینال رقیب وودی‌آلن بود.

هر کدام هم برای خود دل‌ایلی داریم، عده زیادی در صحنه‌ای که اصغر فرهادی در سن بزرگ کدک‌تئاتر نام ایران را بر زبان آورد و از صلح‌طلبی‌مان گفت به‌شوق آمده بودند عده‌ای هم بنا به دلایل دیگر قرار نیست در

بعد از آن با ۱۰ضربه سر امام را از تن جدا می‌کند. هر ضربه‌ای را که بر گلولی مبارک امام فرود می‌آورد امام نامی را به زبان می‌آورد. در این لحظه خسروشمر از کسی که نقش امام را برعهده دارد خواست که این ۱۰نام را برای ما بگوید؛ بعد از ضربه اول الله اکبر، بعد از ضربه دوم و محمدا و به این ترتیب و علیا، و فاطمه، و حسنا، و زینبا، و عترتا، و کلثوما، و اشکینبه، و رقیه. بعد از هر ضربه کوت‌تری به هوا رستاده می‌شود و به نشانه ۱۰ضربه‌ای که بر گلو فرود می‌آید، ۱۰کبوتر آزاد می‌شود. بعد از آن امام شعری را به این مضمون می‌خواند و به شهادت می‌رسد:

روم زشوق کنون جانب رسول‌الله
اقول شهدان لاله‌الله!محمد است رسول وعلی‌ولی‌الله
بعد از بریده‌شدن سر حضرت، لشکر اشقیا دور‌تادور بدن امام را می‌گیرند و در این لحظه بازیگر نقش شمر که خود خسروشمر است، شبیه سری را که به دست او رسانده‌اند بر سر خنجر می‌کند. در این لحظه دیگر طاقت از کف تماشایچاپان می‌رود و با سردادن گریه همه با هم حیدر حیدر و یاحسین یاحسین می‌گویند. در این بین خود شمر نیز حال طبیعی خود را از دست می‌دهد و بر سر و صورت خود می‌زند و یاحسین یاحسین می‌گوید و با مردم به عزاداری می‌پردازد. بعد از آنکه همه گریه کرده و کمی آرام شدند، عده‌ای وارد صحنه می‌شوند و بدن مبارک امام را (همان بدنی را که خاله ساخته است) روی تابوت گذاشته و از بین مردم عبور داده و به اتاق جنگ می‌آورند و این صحنه به این ترتیب پایان می‌پذیرد.

نکند یا شبیه خود را بر پرده سینما نبینند و حالا ممکن شده بود؛ تنهایی آدم‌های «چهارشنبه‌سوری»، فرزندی که باید بین پدرموادرها تقسیم شوند و کمبودهایی رعب‌آور. این‌روزها که هرچندوقت‌یک‌بار بحث «ماهور» پیش می‌آید، فیلمنامه «دایره‌زنگی» یک ثبت تاریخ است از آن‌روزوها که ماهورها تازه به میان مردم آمده بودند و هنوز جزو دانشدنی خانه‌ها نبودند. هنوز در سینمای ایران هیچ‌اثری نتوانسته است مانند «درباره الی» شادی طبقه متوسط و خانه و زندگی و سفر و روابطشان را به‌خوبی تصویر کند. آن چالش انتهایی «اسپیده» هم چالشی است که در ابعاد کوچک همچنان بارها و بارها در زندگی روزمره پیش می‌آید و تعداد دفعاتش بیشتر شده است. «جدایی نادر از سیمین» در همان روزگاری ساخته شد که بسیاری معطل روابط خود مانده بودند اما این تمام ماجرای نبود که فرهادی ما را به دیدنش دعوت می‌کرد.

به هر حال، اگر شنبه ساعت ۱۸ هم به این مراسم رونمایی نرویم، می‌توانیم کمی بدترتر مجموعه این فیلمنامه‌ها را در گوشه‌اش از کتابخانه خود قرار دهیم تا کتابی باشد برای مرور ده‌های که پشت‌سر گذاشته شده است. برای پرسش‌هایی که شاید هر زمان جواب جدیدی به آن بدهیم، کتابی برای زمانی که وقتی بیرتر شدیم و خوستیم خاطره‌ای تعریف کنیم، می‌توانیم از بین همین شخصیت‌ها مثال بزیمم چراکه در کنارشان زیسته‌ایم. مثلا برای وقتی که قرار است حقیقتی را تغییر دهیم، می‌توانیم یاد «اسپیده» و «الی» بفتیم یا هر وقت یادمان رفت که چه درگیری‌های ذهنی و چالش‌هایی را برای ماندن یا رفتن از ایران پشت‌سر گذاشته‌ایم به «نادر» و «سیمین» فکر کنیم و برای اینکه با چالش‌های زندگی راناشویمی آن هم از نوع مدرنش روبرو شویم از «مزده» و همسرش یاد کنیم. این مجموعه فیلمنامه‌ها مرور یک‌دهه پرفرازونشیب برای طبقه متوسط ایران است تا فراموش نکند چه چیزهایی را پشت‌سر گذارنده و چه در دست دارد. جمع‌آوری و کنار هم قراردادن این آثار با توجه به وسواس و دقت اصغر فرهادی قطعا کار پرفرازونشیبی بوده است که نشر چشمه و محسن آرم توانسته‌اند آن را به سرانجام برسانند.

#### چراغ لیزری

## کسی هوای ما را ندارد

نمی‌دانم چرا کسی به فکر هوای اطراف ما نیست. شبیه پسرکی شده‌ایم که روی شاخ‌های نشسته بود و همان شاخه را می‌برد. محیط‌زیست شده یک معاونت برای رئیس‌جمهور و کسانی مثل ما که مرتب نق می‌زنیم، اگر با زدن سسدها، اگر با پل شنی یا به هر دلیل دیگری دریاچه ارومیه را به سمت خشکی برده‌ایم، اگر به دلیل ریختن زباله و پسماندها و دخالت کس، نوشتن این جمله در ابتدای یک مقاله، همان حکایت مشهور «از عجایب شیخ ما این است/ که عسل خورد و گفت شیرین است» را تداعی می‌کند. همه می‌دانیم و می‌دانند که انگلستان یک جزیره است. اما مارکس در ادامه به این ماجرا پرداخته بود که جزیره‌بودن یعنی چه؟ که این ماجرا چه تاثیری در سیاست داخلی و خارجی این کشور داشته است. حالا حکایت ماست و محیط‌زیست. همگان می‌دانیم و می‌دانند که اگر هوایی برای نفس‌کشیدن نداشته باشیم، اگر آبی برای نوشیدن نباشد، اگر توفان نمک، همه‌چیز را خشک کند، اگر درختان از چرخه زندگی خارج شوند، چه بلایی سر ما می‌آید. بسا این‌همه



سجاد صاحبان‌زند

خبرها میاوس‌کننده‌اند. می‌گویند که ما تنها دوسال فرصت داریم تا ز مرگ دریای خزر جلوگیری کنیم. می‌گویند حجم دریای خزر به یک‌دهم کاهش یافته و کارشناسان هشدار می‌دهند در صورت ادامه شرایط کنونی ، پسماندها و رشد بی‌رویه صید، در چندسال آینده ذخایر دریای خزر را نابود خواهد کرد. می‌گویند جنگل گلستان در حال نابودی است، چه به دست کسانی که شبانه درخت‌هایش را می‌دزدند و چه توسط کسانی که نادانسته آتشش می‌زنند. می‌گویند ولایی که قرار است در دل طبیعت ساخت‌وساز شود، طبیعت زیبای گلستان را ویران می‌کند. می‌گویند سدها و برداشت نادرست از آب زاینده‌رود، این رود زیبا را در خطر خشکی همیشگی قرار داده. می‌گویند وسط کارون چنان درخت‌هایی روییده که بیشتر شبیه جنگل می‌ماند تا رودی قابل کشتیرانی. می‌گویند آب



پیکس، «مستندی درباره نیکلاس ویندینگ رفن ساخته

همسرش: وقتی یک فیلم‌ساز خوب، فیلم خوب نمی‌سازد،

«کترین بیگلو علیه کشتار فیل‌ها» و...از دیگر مطالب هستند.